



آواز پر خیرئیل

نوشته :

ابوتراب خسروی



تهران ، ۱۳۹۲

سرشناسه : خسروی ، ابوتراب ، ۱۳۳۵ -

عنوان و نام پدیدآور : آواز پر جبرئیل / نوشته ابوتراب خسروی

مشخصات نشر : تهران : نشر گمان ، ۱۳۹۲ .

مشخصات ظاهری : ۱۴۴ ص .

شابک : 978-600-94072-6-2

وضعیت فهرست نویسی : فیا

موضوع : داستان های کوتاه فارسی - قرن ۱۴

رده بندی کنگره : ۱۳۹۲ آ ۴۴۵ س / ۸۰۲ - PIR

رده بندی دیویی : ۸۳۳ / ۶۲ فا ۸

شماره کتابشناسی ملی : ۳۲۸۴۷۸۳



آوا پر سونیل

ابو تراب خسروی

چاپ : ۱۳۹۲

حروفچین : فرزاد رسولی

ویراستار : سید علی فرد

نقاشی روی جلد : مریم مری

طراحی جلد : محمود شفر

نظارت فنی و چاپ : حمیدرضا صابری

چاپ : صنوبر

صحافی : سپیدار

شمارگان : ۲۰۰۰ جلد

کلیه حقوق این اثر متعلق به انتشارات گمان است و هر نوع استفاده بازوگانی از این اثر اعم از زیراس .
بازنویسی ، ضبط کامپیوتری و یا تکثیر به هر صورت دیگر ، کلا و جزنا ممنوع و قابل تعقیب قانونی است .

Email : Nashr.gaman@gmail.com

قیمت : ۶۵۰۰۰ ریال

فهرست

۹	مقدمه
۱۱	آواز پر جبرئیل
۲۵	در حال کودکی
۳۷	عقل سرخ
۶۱	حقیقت عشق
۹۷	خفاشان
۱۰۳	جن شاه
۱۰۷	هدهد و بوف کور
۱۱۳	لغت موران
۱۱۹	طاووس
۱۲۵	ماهی موج، پرنده‌ی باد
۱۲۹	خورشید و ماه
۱۳۳	آشیانه‌ی گفت‌وگو
۱۳۳	عشق یوسف و زلیخا
۱۴۳	جام جهان‌بین

د تدمه ناشر

اگر روزگري د انسان و رمان کارکردی صرفاً برای سرگرم شدن و پر کردن اوقات فراغت را دانست، امروز کارکردش بسی فراتر رفته و به عنوان یک محصول فرهنگ و معنوی جزئی از زندگی انسان امروز شده است.

خواننده ادبیات داستانی تنها در رمان نمی خواند تا سرگرم شود یا اوقات فراغت را پر کند، بلکه با مطالعه آثار نویسندگان نقاط مختلف دنیا با فرهنگ و زبان های گوناگون آشنا شده و در اعماق وجودش زوایای پنهان روح خویش را جستجو می کند. واقع هر فردی در زندگی محدود خود قادر نیست همه چیز را تجربه کند اما ادبیات داستانی این قدرت را به خواننده می دهد تا در زندگی کوتاهش به نقل چیزهای بیشتری را تجربه کند. چیزهایی که شاید در عالم واقع، نه ممکن است را داشته و نه قدرتش را.

بر آنیم تا در مجموعه کتاب های بخش ادبیات نشر سلمان، با طابان ایرانی را با تجربه هایی بکر و عمیق از داستان، زندگی و دغدغه های انسان روبرو کنیم.

مقدمه

شاید این اجماع به این چند داستان و چند متن کوتاه

بی آنکه مدعی درک مثیله‌ای از شیخ اشراق باشم که البته کار من نیست، شاید حاصل خواننده‌ها را میسر کند. قصه‌های شیخ تنها کشف و لذت از بارقه‌های خلاقیت‌های ادبی و فلسفی منظره قصه‌های شیخ است و نه مباحث پیچیده‌ی متون او، منظورم از این‌ها قصه‌وار شیخ است که نهایتاً منتج به تمثیل‌هایی می‌گردد مبنی بر توسعه معناها و مفاهیم حکمت عارفانه‌ی خاص او که هستی را به چالش می‌گیرد.

شیخ در قصه‌ها گاهی پرنده‌ها را موضوع بحث قرار می‌دهد و گاهی شرح و بسط و به تعبیری تحلیل کنش‌ها را در قالب شخصیت‌های آیینی و خصایل انسانی آشکار می‌کند. در اینجا به عنوان یک داستان‌نویس علاقمند هستم به مضامینی که در هر یک از این قصه‌ها ریشه دارند و اصرار بر بسط و توسعه‌ی داستانی مضامینی را که ریشه مضامین قصه‌های شیخ داشته باشم. مضامینی مثل بوف و هدهد و طاووس و غیره که فی الواقع نیمی انسان و نیمی بوف یا نیمی طاووس و نیمی انسان هستند بدین دلیل که قالبی حیوانی دارند و اندیشه‌ای انسانی. به تعبیری اندیشه‌ای انسانی گرفتارآمده در قالبی حیوانی‌اند. احتمالاً

منظور شیخ بازسازی عوارض خصایل انسان بوده که البته به زعم این قلم کمتر ظرفیت داستان به مثابه نوع ادبی مدرن داشته‌اند. داستان با مفهوم نوع ادبی مدرنی که حاصلش شناخت از طریق روابط علی و معلولی و جزئی‌نگاری است و نه هدایت و القای مفاهیم تمثیلی منتج به درک حکم ایمان عارفانه.

قصه‌های شیخ اشراق گاهی تمثیل‌های نسبتاً بلندی‌ست که می‌توان درگیر آن‌ها را با غرایزش معنا کرد یا مضامینی در حد چند سطر به این زوایا صراحتاً یا هدف تهذیب. بنابراین روایت‌هایی که متناسب با نحوه داستان‌نویسی این قلم بود به هیئت داستان درآمد بی‌آنکه بدانم یا بخواهم منظور مقصود شیخ چه بوده، تنها از عناصر موجود در قصه استفاده شده و مضامین بدآمده که روابط علی معلولی مقدرشان را معلوم کرده‌اند و نیز روایت‌هایی که به زعم این قلم تنها می‌توانست در شکل روایت‌گونه‌هایی که به قصه‌ایک و نه داستان نوشت که فقط شاید متنی باشد که بشود خواندشان و ایشان گذشت یا نگذشت و مجال داد تا جایی بمانند.